

دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)  
سال سیزدهم / دوره جدید / شماره ۴۹ / بهار و تابستان ۱۳۹۷  
صص ۴۶-۵۷

# بررسی تطبیقی خواستگاری در فقه مذاهب خمس اسلام

• علی اکبر ربیعی

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران

a.alirabiee@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵

## چکیده

خواستگاری که شامل مراحل آشنایی و توافقات زوجین قبل از صیغه نکاح است، مقدمه ازدواج محسوب می‌شود. همان‌گونه که بر ذی‌المقدمه (یعنی ازدواج)، حکم شرعی استحباب بار می‌شود و در بعضی موارد که خوف گناه باشد، حکم و جوب می‌آید، نسبت به مقدمه (یعنی خواستگاری) هم حکم شرعی وجود دارد. در برخی از موارد خواستگاری حرام است. در مواقعی تنها به نحو تعریض و کنایه جایز است و در بعضی موارد، هم به نحو تعریض و هم به نحو تصریح خواستگاری جایز است. فقهای مذاهب خمس نسبت به احکام خواستگاری اظهار نظر کرده‌اند و در مواردی نظرات فقهی با یکدیگر مطابقت دارد. در این مقاله ضمن بررسی نظرات فقهای مذاهب اهل سنت و امامیه، ادله روایی و مستندات فقهی نیز انعکاس می‌یابد. در بررسی تطبیقی نظرات به این نتیجه می‌رسیم که خواستگاری از زن صاحب عده رجعی، به اتفاق مذاهب خمس حرام است. در عده وفات و عده طلاق بائن، تنها به نحو تعریض و کنایه خواستگاری جایز است. نسبت به عده بائن، قول دیگری از حنفیه و شافعیه نقل شده است که قائل به عدم جواز تعریض هستند. خواستگاری از زنی که به شخص دیگری پاسخ مثبت داده، طبق نظر مذاهب چهارگانه اهل سنت حرام است. در امامیه دو قول وجود دارد: عده‌ای از فقهای امامیه قائل به حرمت شده‌اند، اما مطابق قول مشهور امامیه، خواستگاری شخص دوم کراهت دارد. خواستگاری زن از مرد، حالت دیگری است که در شرع منعی برای آن وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: عقد نکاح، خطبه، خواستگاری، تعریض، تصریح.



## مقدمه

تشکیل خانواده از نظر اسلام جایگاه والایی دارد و توجه ویژه‌ای به آن شده است. در آیات قرآن کریم، خداوند به ازدواج امر کرده است. در آیه سوم سوره نساء می‌فرماید: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»؛ «با زنانی که می‌پسندید ازدواج کنید» و در آیه ۳۲ سوره نور فرموده است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ «مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است».

بنابر بحثی که اصولیان بیان می‌دارند، امر ظهور در وجوب دارد.<sup>۱</sup> اگر قرائنی دال بر رخصت ترک وجود نداشته باشد، وجوب آن ثابت می‌گردد. اما با توجه به وجود قرائن، جمهور فقهای اسلام فتوا داده‌اند که ازدواج مستحب مؤکد است. با وجود این، فتوای فقها همراه این قید است که اگر کسی به سبب نداشتن همسر به حرام افتد، واجب است ازدواج کند.<sup>۲</sup> ازدواج با چنین جایگاه رفیعی، مقدمه‌ای دارد که آن خواستگاری است. خواستگاری اولین مرحله رویارویی مرد و زن است که نظرات، خواسته‌ها و شروطی که مد نظر دارند را بیان می‌کنند. در نتیجه ظهور نقاط مشترک، مصمم در پیمان بستن و انشاء عقد نکاح می‌شوند، تا ردای همسری یکدیگر را بر تن کنند. خواستگاری از جمله رسومی است که از دیرباز در جوامع مختلف به اشکال گوناگونی وجود داشته است. در برخی از مناطق - اغلب در قدیم این‌گونه بوده است - اجازه صحبت دختر و پسر را نمی‌داده‌اند و تمام مقدمات ازدواج در قالب خواستگاری، بین

بزرگان فامیل رد و بدل می‌شده است. اما دین مبین اسلام صحبتی را که در قالب خواستگاری برای ازدواج بین زن و مرد صورت پذیرد، جایز می‌داند و ضمن توجه به این مسئله احکامی را برای آن وضع کرده است. چون خواستگاری مقدمه ازدواج است و در شناخت طرفین از یکدیگر تأثیر اساسی دارد، انجام آن مورد تأیید سیره عقلا است، به گونه‌ای که عقلا انجام خواستگاری و ملاقات زن و مرد و صحبت آنان قبل از ازدواج را امری لازم می‌دانند. این سیره مورد تأیید و تأکید شارع مقدس نیز قرار گرفته است. نسائی روایتی را نقل می‌کند که در زمان پیامبر(ص)، مردی انصاری از زنی خواستگاری کرد. پیامبر(ص) به او فرمود: آیا او را دیده‌ای؟ آن شخص گفت: نه، ندیده‌ام. پس پیامبر(ص) به او امر کرد که آن زن را (قبل از ازدواج) ببیند.<sup>۳</sup> اگر قبل از ازدواج، ملاقاتی بین زن و مرد صورت پذیرد، طرفین می‌توانند با دید باز تصمیم بگیرند و این مطلبی است که در روایت مذکور بر آن تأکید شده است.

## مفاهیم

### (۱) خطبه (خواستگاری)

خطبه از ریشه خطب است. خطب، مخاطبه و تخاطب هر سه به معنی رویاروی سخن گفتن و رد و بدل کردن کلام بین یکدیگر است. از این ریشه واژه خطبه (به ضم خاء) به معنی اندرز گفتن است. اما واژه خطبه (به کسر خاء) به معنی خواستگاری کردن و نامزد خواستن برای همسری است.<sup>۴</sup> در اصطلاح فقهی، شهید ثانی در مسالک خطبه (به کسر خاء) را این‌گونه تعریف می‌کند: «هی طلب الزوجة من نفسها أو وليها»؛<sup>۵</sup> «خطبه به معنی درخواست ازدواج با زنی است که از خود زن و یا از ولی زن صورت می‌پذیرد».

۱. أصول الفقه، ص ۸۷.

۲. العناية شرح الهداية، ج ۳، ص ۱۸۹؛ شرح مختصر خليل، ج ۳، ص ۱۶۵؛ أسنى المطالب، ج ۳، ص ۱۰۷؛ الإنصاف، ج ۱۲، ص ۱۹۶؛ الروضة البهية، ج ۳، ص ۱۴۵.

۳. السنن الكبرى، ج ۳، ص ۲۷۲.

۴. المفردات، ص ۲۸۶.

۵. مسالک الألفهام، ج ۷، ص ۴۱۵.





شربینی شافعی در الإقناع، خطبة را این گونه تعریف کرده است: «التماس الخاطب النكاح من جهة المخطوبة»<sup>۶</sup> «درخواست و طلب ازدواج از زنی برای پذیرش همسری». خاطب مردی است که اقدام به خواستگاری می‌کند و مخطوبه زنی است که از او خواستگاری صورت می‌پذیرد.

فقه‌های مذاهب اسلامی با عبارتهایی شبیه آنچه بیان شد، یا با عبارات دیگری مثل: «التماس التزویج»، «التماس نکاح المرأة» و «طلب المرأة للزواج»، خطبة را تعریف کرده‌اند.<sup>۷</sup> در واقع تمامی تعاریف فوق، گویای مطلب هستند. پس خطبة به معنی درخواست و پیشنهاد ازدواج است که از سوی خاطب یا وکیل خاطب نسبت به مخطوبه یا ولی یا وکیل مخطوبه صورت می‌پذیرد. لفظ خواستگاری در لغت فارسی نیز به معنای طلب عروسی و زناشویی، و به دختر یا زنی پیشنهاد ازدواج دادن است.<sup>۸</sup> همچنین خواستگار به معنی خواهنده و کسی است که طالب زناشویی است.<sup>۹</sup>

## ۲) تصریح

تصریح در لغت به معنی روشن و آشکار سخن گفتن است، و معنای مخالف تعریض را دارد؛<sup>۱۰</sup> یعنی شخص به گونه‌ای سخن بگوید که نتوان از سخن او، برداشتهای مختلفی کرد، بلکه سخن او به دور از هرگونه کنایه باشد. تصریح اصطلاحی است که در کتاب نکاح استعمال شده است، و نوعی از خواستگاری است، به نحوی که خواستگار به صراحت مقصود خود را بیان می‌کند.<sup>۱۱</sup> مثلاً شخص به طور صریح بگوید: «أريد أن

انكحك أو أتزوجك أو اخطبك»؛<sup>۱۲</sup> یعنی قصد ازدواج با تو را دارم، یا اینکه می‌خواهم از تو خواستگاری کنم. به عبارت دیگر خواستگاری به نحو تصریح یعنی: «الاتيان بلفظ لا يحتمل غير ارادة النكاح»؛<sup>۱۳</sup> «بیان خواستگاری با لفظی که تنها دال بر اراده نکاح است و احتمال دیگری در آن وجود ندارد».

## ۳) تعریض

تعریض در لغت مقابل تصریح و به معنای به کنایه و سر بسته سخن گفتن است.<sup>۱۴</sup> اما در اصطلاح فقهی، تعریض نوعی از خواستگاری است که به صورت کنایه صورت می‌پذیرد؛ یعنی خواستگار الفاظی را بیان می‌کند که دویپهلو است و هم می‌توان از آن اراده خواستگاری برای ازدواج کرد و هم بر غیر خواستگاری قابلیت حمل دارد، اگرچه وجه حمل بر خواستگاری برای نکاح، بر وجه دیگر آن غلبه دارد.<sup>۱۵</sup> مثلاً مردی به زنی بگوید: من به تو علاقه‌مندم، یا اینکه بگوید: تو نزد من دارای احترام هستی. در این صورت زن می‌تواند برداشت کند که مرد به کنایه از او خواستگاری کرده است.<sup>۱۶</sup>

ماوردی از فقه‌های شافعی در الحاوی الکبیر تعریض را این گونه تعریف کرده است: «هو خلاف التصريح وهو تعريض الرجل للمرأة بما يدلها به على إرادة خطبتها بغير تصريح»؛<sup>۱۷</sup> «تعریض بر خلاف تصریح است و آن سخن مرد است که به کنایه به زنی ابراز می‌دارد، با الفاظی که به نحو کنایه دلالت بر خواستگاری او دارد». شهید ثانی برای نمونه الفاظی را ذکر می‌کند که دلالت این الفاظ بر نکاح به نحو کنایه و تعریض است. مثلاً مرد می‌گوید: «رب راغب فیک و حریص علیک

۶. الإقناع فی حل ألفاظ أبي شجاع، ج ۲، ص ۴۱۳.

۷. البحر الرائق، ج ۱۱، ص ۱۲۶؛ شرح مختصر خلیل، ج ۱۰، ص ۲۶۵؛ الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل، ج ۲، ص ۷۶؛ السراج الوهاج، ص ۳۶۱؛ أسنى المطالب، ج ۳، ص ۱۱۵؛ الحدائق الناضرة، ج ۲۳، ص ۳۶. ۸. لغت‌نامه دهخدا، مدخل «خواستگاری»؛ فرهنگ معین، مدخل «خواستگاری».

۹. همان.

۱۰. تاج العروس، ج ۴، ص ۱۱۸.

۱۱. بدائع الصنائع، ج ۳، ص ۲۰۴؛ المعونة، ج ۱، ص ۷۹۲؛ الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۲۴۹؛ المغنی، ج ۷، ص ۵۲۴؛ تحریر الأحكام الشرعیة، ج ۲، ص ۵.

۱۲. البناية شرح الهدایة، ج ۵، ص ۶۲۳.

۱۳. الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۳۰.

۱۴. لسان العرب، ج ۷، ص ۱۸۳.

۱۵. البحر الرائق، ج ۴، ص ۱۶۴؛ الفواکه الدوانی، ج ۲، ص ۴۲؛ أسنى

المطالب، ج ۳، ص ۱۱۵؛ الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳،

ص ۱۶۰؛ كشف اللثام و الإبهام، ج ۷، ص ۳۲.

۱۶. المقدمات الممهدة، ج ۱، ص ۵۱۹؛ المغنی، ج ۷، ص ۱۴۷.

۱۷. الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۲۴۷.

أو أنى راغب فيك أو أنت على كريمة أو عزيزة أو ان الله لسائق اليك خيراً أو رزقاً»<sup>۱۸</sup> یعنی چه بسیار افرادی که به تو علاقه داشته و حریص هستند، یا من به تو علاقه مندم، یا تو نزد من دارای جایگاه و احترام هستی، یا اینکه بگوید خداوند به تو آنچه که خیر است و روزیش را عطا کند.

### موارد حرمت خواستگاری

در فقه مذاهب اسلامی مواردی احصا شده است که در آن حالتها خواستگاری حرام است:

۱- خواستگاری از زن شوهردار که به اتفاق حرمت آن بیان شده است.<sup>۱۹</sup> ماوردی هردو نوع خواستگاری (تعریض و تصریح) را از زن شوهردار حرام می‌داند. بیان او در *الحاوی الکبیر* این‌گونه است: «اما ذات الزوج فلا يحل خطبتها بتعريض و لا تصریح».<sup>۲۰</sup> همچنین علامه حلی از فقهای امامیه چنین بیانی دارد: «اما ذات البعل فيحرم خطبتها على غير الزوج تعريضاً و تصریحاً».<sup>۲۱</sup>

قرآن کریم در آیه ۲۴ سوره نساء حرمت ازدواج با زن شوهردار را بیان می‌کند: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ». علاوه بر دلیل اجماع که فقهای مذاهب اسلامی برای حرمت خواستگاری از زن شوهردار بیان کرده‌اند، فساد چنین عملی نیز بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا آبروی برادر مؤمن محترم است و نباید به آن تعدی شود.

۲- خواستگاری از زنی که در عده رجعیه به سر می‌برد. در این مورد نیز به اتفاق فریقین خواستگاری

حرام است؛<sup>۲۲</sup> زیرا زن صاحب عده رجعیه مثل زن شوهردار است. در زمان عده رجعی شوهر می‌تواند به زن رجوع کند و بدون نیاز به صیغه عقد نکاح، دوباره علقه زناشویی آنها برقرار می‌شود. پس تا زمانی که عده او به پایان نرسیده است، خواستگاری به هردو نحو آن؛ یعنی تعریض و تصریح حرام است.<sup>۲۳</sup>

۳- خواستگاری در صورتی که ازدواج حرام ابدی باشد، مانند محارم انسان که ازدواج با آنها حرام ابدی است و طبیعتاً خواستگاری از آنها نیز حرام است.<sup>۲۴</sup> حرمت ازدواج با محارم نسبی و سببی در آیات ۲۲ و ۲۳ سوره نساء بیان شده است. همچنین حرمت ازدواج با محارم رضاعی نیز مورد اتفاق فریقین قرار دارد و مستند آن روایت پیامبر (ص) است که در مصادر شیعه و سنی نقل شده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ»؛<sup>۲۵</sup> «هر چیزی که به سبب نسب بر انسان حرام می‌شود، با شیر خواری نیز حرام می‌شود». مثلاً همان‌گونه که ازدواج با عمه و خاله نسبی حرام است، ازدواج با عمه و خاله رضاعی هم حرام است.

علاوه بر این محرمات که مورد اتفاق فریقین قرار دارد، اسباب دیگری نیز وجود دارد که از مختصات مذهب امامیه است و برخی دیگر مشترک بین امامیه و یک یا چند مذهب از مذاهب چهارگانه اهل سنت است.

۱- طلاق نهم؛ با کیفیتی که بعد از هر سه طلاق برای رجوع مرد به زن، به محلل نیاز است. پس اگر

۲۲. بدائع الصنائع، ج ۳، ص ۲۰۴؛ المعونة، ج ۱، ص ۷۹۲؛ الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۶۳۴؛ المغنی، ج ۷، ص ۱۴۷؛ شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۴۴.

۲۳. ریاض المسائل، ج ۱۱، ص ۳۰۵؛ شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۴۴؛ بدائع الصنائع، ج ۳، ص ۲۰۴؛ الفواکه الدوانی، ج ۲، ص ۴۵؛ المغنی، ج ۷، ص ۱۴۷.

۲۴. الإختیار لتعلیل المختار، ج ۳، ص ۸۴؛ القوانین الفقهیة، ص ۱۳۷؛ أسنی المطالب، ج ۳، ص ۱۴۸؛ الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۸۰؛ مسالک الأفهام، ج ۸، ص ۲۴۲.

۲۵. الکافی، ج ۵، ص ۴۴۲؛ صحیح البخاری، ج ۴، ص ۳۵۹.

۱۸. الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۳۰.

۱۹. بدائع الصنائع، ج ۳، ص ۲۰۴؛ شرح مختصر خلیل، ج ۳، ص ۱۶۹؛ الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۲۴۷؛ المغنی، ج ۷، ص ۱۴۷؛ الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۳۰؛ کشف اللثام والإبهام، ج ۷، ص ۳۲؛ الحدائق الناضرة، ج ۲۳، ص ۵۷۸.

۲۰. الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۲۴۷.

۲۱. تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۵۶۹.





مردی همسرش را نه بار طلاق دهد، بعد از طلاق نهم همسرش بر او حرام مؤبد می‌شود و نمی‌تواند با او ازدواج کند. در این صورت هر دو نوع خواستگاری نیز حرام خواهد بود؛ زیرا خواستگاری زمانی جایز است که امکان ازدواج وجود داشته باشد.<sup>۲۶</sup> حکم به حرمت ابدی در اثر طلاق نهم از مختصات مذهب امامیه است و دلیل این حرمت اجماع فقهای امامیه و روایاتی است که نقل کرده‌اند.<sup>۲۷</sup> در این مسئله مالک بن انس دو قول دارد که یکی از دو قول او مطابق نظر فقهای امامیه است.<sup>۲۸</sup>

۲- لعان؛ زمانی صورت می‌پذیرد که مردی به همسر خود اتهام زند که او مرتکب عمل منافی عفت شده است و به جز شوهر شاهد دیگری وجود ندارد. با کیفیتی که در آیات ششم تا نهم سوره نور بیان شده است، اگر لعان صورت پذیرد، باید از یکدیگر جدا شوند و تا ابد بر یکدیگر حرام می‌شوند و نمی‌توانند مجدد ازدواج کنند. نظر مالک و شافعی مطابق نظر امامیه است.<sup>۲۹</sup> اما ابوحنیفه معتقد است: لعان طلاق بائن است نه فسخ، و به خاطر لعان، زوجین در حال حاضر بر یکدیگر حرام می‌شوند، اما اگر بعداً مرد ادعای خود را تکذیب کند، بر او حد جاری می‌شود و ضرورت اقامه حد بر مرد، بطلان لعان است. پس در این صورت جایز است که دوباره ازدواج کنند.<sup>۳۰</sup> دلیل معتقدان به حرمت مؤبد بعد از لعان، روایت پیامبر(ص) است که می‌فرماید: «المتلاعنان اذا تفرقا لا یجتمعان ابداً»<sup>۳۱</sup>؛ یعنی اگر زن و شوهری لعان کنند، بر یکدیگر حرام می‌شوند و هرگز نمی‌توانند ازدواج کنند.

موارد دیگری همچون زنا با زن شوهردار، زنا در عده رجعیه، عقد در زمان عده با علم به تحریم و عده نیز براساس مذهب امامیه موجب حرمت ابدی می‌شود که در این صورت ازدواج حرام خواهد بود.<sup>۳۲</sup>

### جواز خواستگاری به نحو تعریض

زنی که شوهر او از دنیا می‌رود، باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارد و در این مدت حق ندارد ازدواج کند. در زمان عده وفات خواستگاری به نحو تصریح جایز نیست، اما خواستگار می‌تواند در مدت مذکور به نحو تعریض از این زن خواستگاری کند. قرآن کریم بعد از بیان حکم عده وفات در آیه ۲۳۴ سوره بقره، در آیه بعد از آن می‌فرماید: «وَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِیْ أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ یَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ»؛ «و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه (از زنانی که همسرانشان مرده‌اند) خواستگاری کنید و یا در دل تصمیم بر این کار بگیرید (بدون اینکه آن را اظهار کنید). خداوند می‌داندست شما به یاد آنها خواهید افتاد، ولی پنهان با آنها قرار زناشویی نگذارید، مگر اینکه به طرز پسندیده‌ای (به طور کنایه) اظهار کنید. (ولی در هر حال) اقدام به ازدواج ننمایید تا عده آنها به سر آید». براساس این آیه، مذاهب اسلامی به اتفاق فتوا داده‌اند که در زمان عده وفات می‌توان به نحو تعریض خواستگاری کرد.<sup>۳۳</sup>

مورد دیگری که خواستگاری فقط به نحو تعریض جایز است، در زمان عده بائن می‌باشد. مانند زنی که طلاق خلع گرفته است. براساس مذهب امامیه، مالکیه و حنبلیه، خواستگاری به نحو تعریض در عده

۲۶. شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۳۷.

۲۷. الانتصار، ص ۲۶۵؛ الخلاف، ج ۴، ص ۳۲۲؛ وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲۸. المدونة الكبرى، ج ۳، ص ۱۹؛ الخلاف، ج ۴، ص ۳۲۲.

۲۹. المقدمات الممهدة، ج ۱، ص ۵۱۹؛ الأم، ج ۵، ص ۲۹۱؛ الخلاف، ج ۵، ص ۲۴؛ الروضة البهیة، ج ۳، ص ۴۵۳.

۳۰. المبسوط، ج ۷، ص ۴۴.

۳۱. السنن الصغیر، ج ۳، ص ۱۴۴.

۳۲. الانتصار، ص ۲۶۴.

۳۳. بدائع الصنائع، ج ۳، ص ۲۰۴؛ رد المحتار علی الدر المختار، ج ۳، ص ۵۳۴؛ المعونة، ج ۱، ص ۷۹۲؛ شرح مختصر خلیل، ج ۳، ص ۱۶۹؛ الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۲۴۸؛ المغنی، ج ۷، ص ۱۴۷؛ جواهر الكلام، ج ۳، ص ۱۱۹؛ الحدائق الناضرة، ج ۲۴، ص ۹۰.



فتوا امامیه، حنفیه، شافعیه و حنابله متفق هستند.<sup>۴۰</sup> اما در مذهب مالکیه دو قول وجود دارد: بنابر قول اول، در صورتی که در زمان عده، خواستگاری به نحو تصریح صورت پذیرد و بعد از عده عقد نکاح جاری شود، مستحب است زوجین از یکدیگر جدا شوند. اما قول دوم که قول راجح در مذهب مالکیه محسوب می‌شود، قائل به وجوب مفارقت زوجین است.<sup>۴۱</sup>

### جواز خواستگاری به نحو تعریض و تصریح

مردی که همسر خود را طلاق بائن داده است، در زمان عده بائن می‌تواند از او خواستگاری کند و این خواستگاری به هر دو نوع تعریض و تصریح جایز است. جواز خواستگاری به نحو تصریح در زمان عده بائن مختص زوج است و این حکم مورد اتفاق مذاهب اسلامی است.<sup>۴۲</sup> جواز تصریح مشروط به این است که در حال حاضر امکان ازدواج زوج با زوجه وجود داشته باشد، اما اگر بعد از طلاق سوم باشد، نیاز به محلل است. پس در چنین حالتی حرام است که با او ازدواج کند و در نتیجه نمی‌تواند به صراحت از او خواستگاری نماید.

علاوه بر این مورد، می‌توان از هر زنی که بدون همسر بوده و در عده نیز نباشد و هیچ کدام از محرمات سببی، نسبی و رضایی و اسباب حرمت ابدی نیز در میان نباشد، به هر دو نحو تعریض و تصریح خواستگاری کرد و منعی وجود ندارد.<sup>۴۳</sup>

۴۰. مسالک ال‌افهام، ج ۷، ص ۴۱۶؛ الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۳۱؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۶۹؛ مغنی المحتاج، ج ۳، ص ۱۳۵؛ کفایة الأخیار، ج ۲، ص ۳۳؛ السراج الوهاج، ص ۳۶۲؛ المغنی، ج ۷، ص ۱۴۷.  
۴۱. المعونة، ج ۱، ص ۷۹۲؛ المدونة الکبری، ج ۲، ص ۴۳۹.  
۴۲. بدائع الصنائع، ج ۳، ص ۲۰۴؛ شرح مختصر خلیل، ج ۱۰، ص ۲۷۷؛ المعونة، ج ۱، ص ۷۹۲؛ الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۲۴۸؛ المغنی، ج ۷، ص ۱۴۷؛ الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۲۰.  
۴۳. بدائع الصنائع، ج ۳، ص ۲۰۴؛ المعونة، ج ۱، ص ۷۹۲؛ شرح مختصر خلیل، ج ۳، ص ۱۶۹؛ الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۲۴۷؛ المغنی، ج ۷، ص ۱۴۷؛ کشف اللثام و الإبهام، ج ۷، ص ۳۲؛ الحدائق الناضرة، ج ۲۳، ص ۵۷۸.

بائن جایز است.<sup>۳۴</sup> دلیل این فتوا آیه ۲۳۵ سوره بقره است که قبلاً بیان شد. محقق حلی از فقهای امامیه در کتاب شرائع الإسلام چنین می‌گوید: «اما المعتدة البائنة سواء كانت عن خلع أو فسخ يجوز التعریض من الزوج و غیره»<sup>۳۵</sup> «زنی که در عده بائن به سر می‌برد - و تفاوتی ندارد که به خاطر طلاق خلع است یا فسخ - خواستگاری به نحو تعریض از جانب زوج و دیگران از او جایز است». در مذهب شافعی دو وجه جواز و عدم جواز بیان شده است،<sup>۳۶</sup> اما قول راجح در این مذهب، جواز خواستگاری به نحو تعریض در عده بائن است.<sup>۳۷</sup>

برخی از فقهای حنفی خواستگاری به نحو تعریض در عده بائن را جایز نمی‌دانند.<sup>۳۸</sup> اما برخی دیگر بنابر اظهار خواستگاری به نحو تعریض در عده بائن را جایز می‌دانند.<sup>۳۹</sup>

### حکم خواستگاری به نحو تصریح در زمان عده

پیش از این بیان شد که خواستگاری به هر دو نوع تصریح و تعریض در عده رجعی حرام است. همچنین خواستگاری به نحو تصریح در عده وفات و عده بائن حرام است. حال اگر شخصی در زمان عده به صراحت خواستگاری کند، مرتکب عمل حرام شده است و در هر صورت، چنین شخصی نمی‌تواند با زنی که در عده است، ازدواج کند. اما پس از پایان عده می‌تواند با آن زن ازدواج کند، اگرچه در زمان عده مرتکب عمل حرامی شده باشد. دلیل آن این است که عمل حرام او تأثیر وضعی در عقد نکاح ندارد. در این

۳۴. شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۴۴؛ شرح مختصر خلیل، ج ۳، ص ۱۶۹؛ المغنی، ج ۷، ص ۱۴۷.  
۳۵. شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۴۴.  
۳۶. الوسیط فی المذهب، ج ۵، ص ۳۹؛ الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۲۴۹.  
۳۷. المهذب، ج ۲، ص ۴۴۸؛ الفقه المنهجي، ج ۴، ص ۳۳.  
۳۸. بدائع الصنائع، ج ۳، ص ۲۰۴؛ البحر الرائق، ج ۴، ص ۱۶۵.  
۳۹. البناية شرح الهدایة، ج ۵، ص ۶۲۳.



## خواستگاری از زنی که به شخص دیگر پاسخ مثبت داده است

بنابر نظر مذاهب چهارگانه اهل سنت، در صورتی که مردی از زنی خواستگاری کند و زن به او پاسخ مثبت دهد، در این صورت حرام است که شخص دیگری از آن زن خواستگاری نماید.<sup>۴۴</sup> در بین فقهای امامیه دو قول وجود دارد: فقهای همچون شیخ طوسی، علامه حلی و شهید اول قائل به حرمت هستند.<sup>۴۵</sup> در مقابل فقهای از جمله محقق حلی، شهید ثانی، فخر المحققین، فاضل هندی و صاحب جواهر قائل به کراهت هستند.<sup>۴۶</sup>

در این زمینه روایتی در کتب روایی اهل سنت از پیامبر (ص) نقل شده است که می‌فرماید: «لَا يَخْطُبُ أَحَدُكُمْ عَلَى خِطْبَةِ أُخِيهِ»؛<sup>۴۷</sup> «هیچ کدام از شما بعد از خواستگاری برادر مؤمنش، از مخطوبه او خواستگاری نکند». در روایت دیگری آمده است: «لَا يَخْطُبُ الرَّجُلُ عَلَى خِطْبَةِ أُخِيهِ، حَتَّى يَنْكِحَ أَوْ يَتْرُكَ»؛<sup>۴۸</sup> «نباید مردی بعد از خواستگاری برادر مؤمنش از مخطوبه او خواستگاری کند، تا زمانی که (خواستگار اول) با آن زن ازدواج کند، یا اینکه از ازدواج با آن زن منصرف شود».

مطابق این روایت که پیامبر (ص) از خواستگاری بعد از خواستگاری برادر مؤمن نهی فرمود و براساس قواعد اصول که نهی ظهور در حرمت دارد، فقهای مذاهب اهل سنت و گروهی از فقهای امامیه مثل شیخ طوسی، علامه حلی و شهید اول، قائل به حرمت

شده‌اند. برخی از قائلان به حرمت خواستگاری شخص دوم، ادله دیگری را نیز برشمرده‌اند. از جمله اینکه این کار موجب ایذاء مؤمن می‌شود و دشمنی و عداوت حرام را باعث می‌گردد و هر چیز که وسیله‌ای برای ایجاد فتنه و دشمنی بین دو مؤمن شود، حرام است.<sup>۴۹</sup>

اما فقهای از مذهب امامیه که قائل به کراهت شده‌اند، سند روایت فوق را ضعیف می‌دانند. بنابراین نمی‌توان با روایتی که سند آن ضعیف است، حکم شرعی حرمت را ثابت کرد. اما با توجه به تسامح در ادله سنن که در مستحبات جاری می‌شود، اگر در مکروهات هم قائل به تسامح شویم، با این روایت می‌توان حداکثر کراهت خواستگاری دوم را ثابت کرد.<sup>۵۰</sup> علاوه بر این، اصل بر اباحه است و تا زمانی که حرمت شرعی ثابت نشود، نمی‌توان از اصل دست کشید، و قبول خواستگاری اول از سوی زن موجب نمی‌شود که زن شرعاً زوجه خواستگار اول شده باشد.<sup>۵۱</sup> البته ایذاء و برانگیختن دشمنی، کلیت ندارد و در برخی از موارد ممکن است موجب عداوت شود که تحت عنوان احکام ثانویه قرار می‌گیرد و از این باب حرام می‌شود. اما حکم اولیه خواستگاری از مخطوبه شخص دیگر، حرمت نیست.

یادآوری این مطلب ضروری است که براساس نظر قائلان به حرمت، زمانی خواستگاری دوم حرام است که زن به خواستگار اول پاسخ مثبت داده باشد، یا هنوز هیچ جوابی نداده باشد. اما اگر زن پاسخ منفی داده باشد، قطعاً خواستگاری دوم اشکالی ندارد. همچنین اگر مرد ذمی از زن ذمی خواستگاری کند، اشکالی ندارد که مرد مسلمان از ذمی خواستگاری کند؛ زیرا عمل او مصداق ورود در «خطبة اخیه» نیست.

در اینجا یک سؤال مطرح می‌شود و آن اینکه طبق

۴۹. تحریر الأحكام الشرعية، ج ۳، ص ۴۳۲؛ الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۳۱.

۵۰. کتاب نکاح، ج ۱۸، ص ۵۹۱۴.

۵۱. الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۳۲.

۴۴. البحر الرائق، ج ۴، ص ۱۶۴؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۱۰؛ الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۲۵۱؛ المبدع، ج ۶، ص ۹۱.

۴۵. الخلاف، ج ۴، ص ۳۲۲؛ المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۴، ص ۲۱۹؛ تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۵۷۰؛ تحریر الأحكام الشرعية، ج ۳، ص ۴۳۲؛ الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۳۱.

۴۶. شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۴۴؛ الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۳۲؛ ایضاح الفوائد، ج ۳، ص ۱۱؛ کشف اللثام و الإبهام، ج ۷، ص ۳۳؛ جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۲۴.

۴۷. الموطأ، ج ۳، ص ۷۴۷.

۴۸. صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۵۹.

قول قائلان به حرمت خواستگاری دوم، اگر مردی بعد از خواستگاری برادر مؤمنش و جواب مثبت گرفتن، از مخطوبه او خواستگاری کند و عقد نکاح بین خواستگار دوم و مخطوبه جاری شود، این عقد چه حکمی دارد؟

فقهای امامیه همگی معتقد به صحت این عقد هستند. نسبت به دیدگاه فقهایی که خواستگاری دوم را حرام نمی‌دانند، بحث از صحت یا بطلان عقد نکاح محلی از اعراب ندارد. اما فقهایی که خواستگاری دوم را حرام می‌دانند نیز قائل به صحت عقد نکاح هستند؛ زیرا نهی به مقدمه عقد تعلق گرفته است، نه به خود عقد، و استلزامی بین نهی از مقدمه و نهی از ذی‌المقدمه وجود ندارد. پس اگرچه خواستگار دوم مرتکب فعل حرام شده است، لیکن عقد نکاح او صحیح است.<sup>۵۲</sup> در بین مذاهب اهل سنت، حنفیه، شافعیه و حنابله معتقد به صحت عقد نکاح هستند.<sup>۵۳</sup> اما مالکیه به بطلان عقد نکاح اعتقاد دارند، و یک نقل مبنی بر اعتقاد به صحت عقد، از مالک نیز نقل شده است.<sup>۵۴</sup>

### احکام نگاه و حجاب در لحظه خواستگاری

اصل اولیه در احکام نگاه مرد و زن نامحرم حرمت است. قرآن کریم در آیه ۳۰ سوره نور می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ»؛ «به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه نامحرمان) فروگیرند» و در آیه بعد فرموده است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»؛ «و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند». اما از این حکم کلی مواردی استثنا شده است. مانند نگاه طیب به مریض در حالت ضرورت، و یا نگاه اول به نامحرم. مورد دیگری که استثنا شده، در لحظه خواستگاری است که

به اتفاق مذاهب اسلامی نگاه مرد به زن و برعکس در زمان خواستگاری جایز است.<sup>۵۵</sup> محدوده نگاه نسبت به صورت و دو دست زن، مورد اتفاق نظر است.<sup>۵۶</sup> اما بعضی از مذاهب، مازاد بر وجه و کفین را نیز جایز می‌دانند.<sup>۵۷</sup> در بین فقهای امامیه نیز برخی مازاد بر وجه و کفین را اجازه داده‌اند.<sup>۵۸</sup>

علاوه بر جواز، فقهای اهل سنت قائل به استحباب نگاه به مخطوبه هستند<sup>۵۹</sup> و مستند حکم استحباب را روایات وارده از پیامبر(ص) می‌دانند. نسائی، روایتی را نقل می‌کند که در زمان پیامبر(ص) مردی از زنی خواستگاری کرد. پیامبر(ص) به او فرمود: آیا آن زن را دیده‌ای؟ مرد پاسخ داد: خیر. پس پیامبر(ص) به او امر کرد تا زن را ببیند.<sup>۶۰</sup> مسلم در صحیح خود این روایت را ذیل باب «ندب النظر إلى وجه المرأة و کیفها لمن یرید تزویجها» آورده است.<sup>۶۱</sup> این روایات از موارد شبیه امر بعد از حذر است. در اصول بحث است که آیا امر بعد از حذر دلالت بر جواز و اباحه دارد، یا استحباب را ثابت می‌کند. اگر در اصول به این نتیجه برسیم که امر بعد از حذر تنها دلالت بر اباحه دارد، در این مسئله نمی‌توانیم قائل به استحباب نگاه به مخطوبه در لحظه خواستگاری شویم و فقط می‌توانیم بگوییم این کار مباح است.<sup>۶۲</sup>

کلینی در الکافی روایتی را نقل می‌کند که راوی می‌گوید: «سألت أبا جعفر(ع) عن الرجل یرید أن یتزوج المرأة أنینظر إليها؟ قال(ع): نعم.»<sup>۶۳</sup> بر طبق

۵۵. العنایة شرح الهدایة، ج ۱۴، ص ۲۳۳؛ الذخیرة، ج ۴، ص ۱۹۱؛ الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۷۸؛ المبدع، ج ۶، ص ۸۵؛ مسالک الأفهام، ج ۲، ص ۲۴۹. همان.

۵۷. القوانین الفقهیة، ص ۱۳۰؛ الإشراف، ج ۲، ص ۶۸۵.

۵۸. تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۲۴۵؛ ما وراء الفقه، ج ۶، ص ۱۲۶.

۵۹. العنایة شرح الهدایة، ج ۱۴، ص ۲۳۳؛ الفواکه الدوانی، ج ۸، ص ۷۴؛

المهذب، ج ۲، ص ۳۴؛ المبدع، ج ۶، ص ۸۵.

۶۰. السنن الکبری، ج ۳، ص ۲۷۲.

۶۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۴۰.

۶۲. القوانین المحکمة فی الأصول، ج ۱، ص ۱۸۲؛ أصول الفقه، ص ۸۳.

۶۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۶۵.

۵۲. مسالک الأفهام، ج ۷، ص ۴۱۸؛ الخلاف، ج ۴، ص ۳۲۲.

۵۳. عمدة القاری، ج ۲۰، ص ۱۳۲؛ الحاوی الکبیر، ج ۹، ص ۲۵۱؛

المغنی، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۵۴. التوضیح فی شرح المختصر، ج ۴، ص ۲۹؛ بلغة السالک، ج ۲،

ص ۳۴۳؛ المغنی، ج ۱۵، ص ۱۸۰.







این روایت، جایز است که در زمان خواستگاری به مخطوبه نگاه کرد. در هر صورت جواز نگاه به مخطوبه، موقعی است که شرعاً امکان ازدواج وجود داشته باشد و خواستگاری جایز باشد. طبق روایتی از امام صادق(ع)، محدوده جواز تا زمانی است که قصد لذت نباشد.<sup>۶۴</sup> پس اگر قصد لذت باشد، در این صورت، نگاه حرام خواهد بود.

### خواستگاری زن از مرد

اغلب مرد به خواستگاری زن می‌رود و در آیه ۲۳۵ سوره بقره، مخاطب خواستگاری مردان هستند. در روایات نیز این‌گونه است؛ زیرا وجود زن، تجلی حیا و عفت است. بر یک زن سخت است که برای ازدواج پیش قدم شود و از یک مرد درخواست ازدواج کند؛ چون اگر پاسخ منفی بشنود، تحمل آن برایش ناگوار است. اما برعکس یک مرد تحمل شنیدن پاسخ منفی را دارد.

در جوامع گوناگون بشری در ادوار تاریخ و با فرهنگ‌های مختلف نیز این‌گونه بوده است. بنابراین در اغلب اوقات این مرد است که از زن خواستگاری می‌کند و به او اظهار علاقه می‌نماید، تا زن درخواست او را بپذیرد. اما این به معنای عدم جواز خواستگاری زن از مرد نیست. زن می‌تواند با حفظ حیا و وقار به صورت محترمانه به شخص صالحی پیشنهاد ازدواج دهد، یا از ولی یا وکیل خود بخواهد این مطلب را بیان کند. شاید برای حفظ حیا و سنگینی زن بهتر است که مثلاً شخصی از خویشاوندان او این پیشنهاد را با فرد مورد نظر مطرح کند.

در سوره قصص قسمتی از سرگذشت حضرت موسی(ع) بیان شده است. زمانی که حضرت موسی(ع) گوسفندان شعیب(ع) را آب داد، حضرت شعیب(ع) او را فراخواند، تا اجرت عملش را بدهد. یکی از دختران حضرت شعیب(ع) به پدر می‌گوید:

۶۴. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۸۸.

«قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»<sup>۶۵</sup> یعنی ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدامش کنی (این مرد) نیرومند با امانت است. دختر شعیب قدرت او را دیده بود، همین طور امانت و درستکاری او برایش روشن بود؛ زیرا حضرت موسی(ع) در مسیر خانه حضرت شعیب(ع)، پشت سر دختر شعیب راه نرفت، بلکه جلو می‌رفت، تا پشت سر آن زن را نبیند.<sup>۶۶</sup> این سخن دختر شعیب به شکل کنایه بر پیشنهاد ازدواج دلالت دارد. حضرت شعیب(ع) نیز به حضرت موسی(ع) پیشنهاد ازدواج یکی از دخترانش را می‌دهد. این رفتار دختری است که در مکتب پیامبر خدا تربیت یافته است که در کمال حیا و عفت سخن می‌گوید.

در صحیح بخاری باب «عرض المرأة نفسها علی الرجل الصالح»، روایتی نقل شده است که زنی خدمت پیامبر(ص) رسید و به ایشان پیشنهاد ازدواج داد. در این هنگام شخصی از اصحاب به پیامبر(ص) عرضه داشت: او را به تزویج من درآور، و پیامبر(ص) در مقابل تعلیم چند سوره قرآن، زن را به تزویج آن مرد درآورد.<sup>۶۷</sup> در این روایت پیامبر(ص) زن را تخطئه نکرد، بلکه او را به تزویج یکی از اصحاب درآورد. پس شرعاً مانعی ندارد که پیشنهاد ازدواج از سوی زن صورت پذیرد.

### نتیجه‌گیری

۱. در صورتی می‌توان برای ازدواج خواستگاری کرد که امکان ازدواج وجود داشته باشد. پس اگر شرعاً عقد نکاح حرام باشد، خواستگاری نیز حرام خواهد بود. خواستگاری از زن شوهردار و زنی که در عده رجعیه قرار دارد، حرام است. همچنین مواردی که باعث حرمت ابدی می‌شوند نیز همین حکم را دارند

۶۵. قصص، ۲۶.

۶۶. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۲۳.

۶۷. صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۴۹.

و خواستگاری از چنین زنی حرام خواهد بود.

۲. در صورتی که زنی در عده وفات باشد، جایز است که از او به نحو تعریض و کنایه خواستگاری کرد، اما اگر به صراحت خواستگاری صورت گیرد، این کار حرام است. همچنین نسبت به زنی که در عده بائن به سر می‌برد، بنا بر قول امامیه، مالکیه و حنابله، خواستگاری به نحو تعریض جایز است. در مذهب شافعیه دو وجه جواز و عدم جواز بیان شده است، اما قول راجح در این مذهب، جواز خواستگاری به نحو تعریض در عده بائن است. برخی از فقهای حنفی خواستگاری به نحو تعریض در عده بائن را جایز نمی‌دانند. اما برخی دیگر بنا بر اظهر خواستگاری به نحو تعریض در عده بائن را جایز می‌دانند.

۳. اگر مردی در زمان عده (رجعی، بائن و وفات) از زنی به طور صریح خواستگاری کند، مرتکب حرام شده است، اما اگر بعد از اتمام عده با آن زن ازدواج کند، بنا بر قول مذاهب امامیه، حنفیه، شافعیه و حنابله، عقد نکاح او صحیح است. در مذهب مالکیه دو قول وجود دارد: قول اول قائل به استحباب جدا شدن زوجین است، و قول دوم که قول راجح در این مذهب است، می‌گوید: مفارقت زوجین واجب است.

۴. اگر زنی در عده بائن باشد، زوج او می‌تواند به صراحت از او خواستگاری کند، به شرط اینکه در حال حاضر امکان شرعی ازدواج با او وجود داشته باشد. پس اگر بعد از طلاق سوم باشد، نمی‌تواند به صراحت از او خواستگاری کند. علاوه بر این مورد،

هر زنی که بدون شوهر باشد، و در عده نباشد و هیچ کدام از محرّمات سببی، نسبی و رضاعی و اسباب حرمت ابدی نیز نباشد، به هر دو نحو تعریض و تصریح می‌توان از او خواستگاری کرد.

۵. بنا بر نظر مذاهب اهل سنت و یک قول نزد فقهای امامیه، چنانچه مردی به خواستگاری زنی برود و زن به او پاسخ مثبت دهد یا هنوز پاسخ نداده باشد، حرام است که مرد دیگری از آن زن خواستگاری کند. اما بنا بر قول مشهور فقهای امامیه، این عمل کراهت دارد. اگر کسی خواستگاری دوم را انجام دهد و خواستگاری او منجر به اجرای عقد نکاح شود، بر اساس نظر کسانی که معتقد به حرمت هستند، چنین شخصی اگرچه مرتکب حرام شده است، لیکن عقد نکاح او صحیح است. اما مالکیه معتقد به بطلان عقد نکاح هستند، و یک قول مبنی بر اعتقاد به صحت عقد خواستگار دوم، نیز از مالک نقل شده است.

۶. اگرچه قاعده اولیه، حرمت نظر به نامحرم است، اما در لحظه خواستگاری در صورتی که قصد لذت نباشد، نگاه مرد به زن و برعکس جایز است. مازاد بر جواز، فقهای اهل سنت قائل به استحباب نظر به مخطوبه هستند.

۷. دلیلی بر نهی خواستگاری زن از مرد وجود ندارد و جایز است که زن به مرد پیشنهاد ازدواج دهد. لیکن برای حفظ حیای زن، بهتر است که این پیشنهاد از سوی ولی زن یا خویشاوندان او صورت پذیرد.

#### کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن جزئی، محمد بن احمد، القوانین الفقهیه، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ابن رشد، محمد بن احمد، المقدمات الممهّدات، بیروت، دارالغرب الإسلامی، ۱۴۰۸ق.
- ابن عابدین، محمد امین بن عمر، رد المحتار علی الدر المختار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المعنی، قاهره، مکتبه القاهره، ۱۳۸۸ق.
- ابن مفلح، ابراهیم بن محمد، المبدع فی شرح المقنن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت،





- دارصادر، ۱۴۱۰ق.
- ابن مودود، عبدالله بن محمود، الإختیار لتعلیل المختار، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۳۵۶ق.
- ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- انصاری، زکریا بن محمد، أسنى المطالب فی شرح روض الطالب، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره، لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ق.
- بغدادی، عبدالوهاب بن علی، الإشراف علی نکت مسائل الخلاف، بیروت، دارابن حزم، ۱۴۲۰ق.
- همو، المعونة علی مذهب عالم المدينة، مکه، المكتبة التجارية، بی تا.
- بیهقی، احمد بن حسین، السنن الصغیر، کراچی، جامعة الدراسات الإسلامية، ۱۴۱۰ق.
- جنودی، خلیل بن اسحاق، التوضیح فی شرح المختصر الفرعی لابن الحاجب، مرکز نجیبویه للمخطوطات و خدمة التراث، ۱۴۲۹ق.
- حجاوی، موسی بن احمد، الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
- حصنی، ابوبکر بن محمد، کفاية الأخیار فی حل غاية الإختصار، دمشق، دارالخیر، ۱۹۹۴م.
- حطاب، محمد بن محمد، مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- حلی، حسن بن یوسف، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ق.
- همو، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۰ق.
- خرشی، محمد بن عبدالله، شرح مختصر خلیل، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹ش.
- خن، مصطفی، مصطفی بغا و علی شریجی، الفقه المنهجي علی مذهب الإمام الشافعی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۳ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم؛ بیروت، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- رومی بابرته، محمد بن محمد، العنایة شرح الهدایة، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- زییدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- زهري غمراوي، محمد، السراج الوهاج علی متن المنهاج، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
- سرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق.
- شافعی، محمد بن ادريس، الأم، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۰ق.
- شبییری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹ق.
- شربینی، محمد بن احمد، الإقناع فی حل ألفاظ أبی شجاع، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- همو، معنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
- شریف مرتضی، علی بن حسین، الإنتصار فی إنقادات الإمامیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، مجمع الفکر الإسلامی،

١٤٣٤ق.

- همو، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٩ق.

- شيرازى، ابراهيم بن على، المهذب فى فقه الإمام الشافعى، بيروت، دارالكتب العلمية، بى تا.

- صاوى، احمد بن محمد، بلغة السالك لأقرب المسالك، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.

- صدر، سيد محمد، ما وراء الفقه، بيروت، دارالأضواء، ١٤٢٠ق.

- طباطبايى، سيدعلى بن محمدعلى، رياض المسائل فى بيان الأحكام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، ١٤٢٢ق.

- طوسى، محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٢٠ق.

- همو، الميسوط فى فقه الإمامية، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ١٣٨٧ق.

- عروسى حويزى، عبدعلى بن جمعه، تفسير نور الثقلين، قم، اسماعيليان، ١٤١٥ق.

- عيني، محمود بن احمد، البناءية شرح الهداية، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٢٠ق.

- همو، عمدة القارى شرح صحيح البخارى، بيروت، دارإحياء التراث العربى، بى تا.

- غزالى، محمد بن محمد، الوسيط فى المذهب، قاهره، دارالسلام، ١٤١٧ق.

- فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٢٤ق.

- فخر المحققين، محمد بن حسن، إيضاح الفوائد فى شرح مشكلات القواعد، قم، اسماعيليان، ١٣٨٧ق.

- قرافى، احمد بن ادریس، الذخيرة، بيروت، دارالغرب الإسلامى، ١٩٩٤م.

- كاسانى، ابوبكر بن مسعود، بدائع الصنائع فى ترتيب

الشرائع، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤٠٦ق.

- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.

- مالك بن انس، المدونة الكبرى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.

- همو، الموطأ، ابوظبى، مؤسسة زايد بن سلطان، ١٤٢٥ق.

- ماوردى، على بن محمد، الحاوى الكبير فى فقه مذهب الإمام الشافعى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٩ق.

- محقق حلى، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فى مسائل الحلال والحرام، قم، اسماعيليان، ١٤٠٨ق.

- مرداوى، على بن سليمان، الإنصاف فى معرفة الراجح من الخلاف، بيروت، دارإحياء التراث العربى، ١٤١٩ق.

- مسلم بن حجاج نيشابورى، صحيح مسلم، قاهره، دارالحديث، ١٤١٢ق.

- مظفر، محمدرضا، أصول الفقه، قم، بوستان كتاب، ١٣٨٧ش.

- معين، محمد، فرهنج معين، تهران، اميركبير، ١٣٧١ش.

- ميرزاى قمى، ابوالقاسم بن محمدحسن، القوانين المحكمة فى الأصول، قم، مؤسسة إحياء الكتب الإسلامية، ١٤٣٠ق.

- نجفى، محمدحسن، جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام، بيروت، دارإحياء التراث العربى، ١٤٠٤ق.

- نسائى، احمد بن شعيب، السنن الكبرى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١١ق.

- نفراوى، احمد بن غانم، الفواكه الدوانى على رسالة ابن أبى زيد القيروانى، بيروت، دارالفكر، ١٤١٥ق.

